



مَوْسُوعَةٌ
آيَةُ اللَّهِ السَّيِّدَةِ مُحَمَّدِيَّةٍ
الْمَوْسُوعِيَّةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ

مُزِيلُ الْبُؤْسِ
فِي مَسَائِقِ سُبُوحِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ

تَأْلِيفُ: (السَّيِّدَةِ مُحَمَّدِيَّةِ الْمَوْسُوعِيَّةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ)

مَكْتَبَةُ الرُّوضَةِ الْحَبِيبَةِ

الْقَائِمَةُ بِإِدَارَةِ الْعِلْمِ وَالْعَزَمَاتِ الْعِلْمِيَّةِ فِي الْقُدْسِ

معرفی کتاب مزیل اللبس فی مسألتی شق القمر و رد الشمس

تألیف علامه سید محمد مهدی موسوی الخرسان

عباسعلی مردی

مزیل اللبس فی مسألتی شق القمر و رد الشمس،
مکتبه الروضة الحیدریة و انتشارات حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۴۳ق
(جلد ۴۱ از موسوعة آية الله السيد محمد مهدی الموسوي الخرسان).

کتاب همچنان که از عنوانش پیداست درباره دو مسأله شکافته شدن ماه (شق القمر) و برگشت خورشید (رد الشمس) است.

بنابر آیات قرآنی به اشاره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ماه شکافته شد و دوباره برهم آمد (سوره قمر)؛ این اتفاق را مؤمنان پذیرفته اند اما در طول تاریخ اسلام، برخی از عناد و برخی از جهل رد کرده و نپذیرفته اند؛

همچنین بر اساس روایاتی بنابر اشاره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و برای پاسداشت نکوبی حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) خورشید با اینکه غروب کرده بوده اما به مقداری که بتوان نماز عصر گزارد، برگشته است.

این معجزه نیز از سوی پیروان پذیرفته و از سوی اشخاص عنود و جاهل رد شده است.

نویسنده در این کتاب کوشش کرده به سؤال ها و شبهه های وارد شده در این دو مسأله پاسخ گوید. کتاب را در یک مقدمه و سه بخش و یک خاتمه سامان داده است.

مقدمه درباره نگاه قرآنی به خورشید و ماه است که در آیات متعدد بر آن تأکید شده است. سپس به کسوف و خسوف اشاره کرده و آن را نیز آیه ای از آیات خداوند شناسانده است که رخداد این دو واقعه به فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مرگ و زندگی هیچ شخصی وابسته نیست؛ و به تعبیر دیگر خورشید چراغ روز و ماه فانوس شب است.

بخش نخست:

درباره منکرین معجزات است که در سه فصل سامان یافته است:

فصل نخست که شامل سه موضوع است:

الف) منکرین هر معجزه‌ای به جز قرآن؛

برخی از منکرین که این معجزات را رد می‌کنند، اعتقاد دارند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) جز قرآن معجزه‌ای نداشته است؛ چراکه حضرت ایشان فقط در این باره تحدی کرده است. از سوی دیگر می‌گویند که اگر تحدی صورت گرفته باشد قطعاً ثمره‌اش ایمان است؛ نویسنده از زعمای مشرکین شخصی مثل ولید بن مغیره را شاهد می‌آورد که شنید اما استکبار ورزید و ایمان نیاورد.

از کسانی که چنین عقایدی دارند می‌توان محمد حسین هیکل در کتاب حیاة محمد، محمد غزالی در کتاب فقه السیره، محمد جمیل بیهم در کتاب فلسفه تاریخ محمد نام برد. نویسنده در ادامه بخش‌هایی از کتاب حیاة محمد محمد حسین هیکل را نقل می‌کند.

ب) در شناسایی نام منکرین شق القمر در مکه

برخی از کسان وقوع شق القمر را در مکه منکر هستند و معتقدند که این رخدادی که آیه بیان می‌کند بعد – احتمالاً در قیامت – رخ خواهد داد. حسن بصری (م ۱۱۰ ق)، عطاء مکی (م ۱۳۵ ق) و بلخی از این کسانند. نویسنده سپس کاوشی انجام داده تا مشخص کند که منظور از بلخی کیست. سه تن دیگر که بر این عقیده‌اند و مفسرین آنان را نمی‌شمارند بلکه متکلمین بدانان اشاره دارند عبارتند از:

ابراهیم بن سیار نظام (م ۲۳۱ ق)، عمرو بن بحر جاحظ (م ۲۵۵ ق)، هشام بن عمرو الفوطی معاصر مأمون که همه از معتزله هستند.

ج) نام منکرین معجزه رد الشمس که دو دسته‌اند:

یکی کسانی‌اند که وقوع این معجزه را در عهد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) منکر هستند که مؤلف هشت تن را می‌شناساند.

دسته دیگر که وقوع آن را در عهد علوی (علیه السلام) منکرند.

در ادامه سخنانی از دسته نخست را نقل و ضمن معرفی گوینده، دیدگاه وی را به چالش می کشد.

فصل دوم در پاسخ به شبهات مطرح شده در فصل پیشین.

نویسنده در این فصل ذیل سه بحث، ابتدا بر اساس سخن متکلمان به ماهیت معجزه اشاره کرده و حقیقت اعجاز را شناسانده است که تعریف معجزه، شرایط معجزه، و فرق آن با خرق عادت از آن موارد است. وی بیان می کند که برخی برای معجزه پنج شرط و برخی هفت شرط قایل هستند.

در بحث دوم فرق معجزه را با کرامت مطرح کرده و ضمن شناساندن کرامت، تفاوت این دو را بازگو کرده است.

در بحث سوم سحر و شعبده را مطرح کرده و اینکه آیا آنها می توانند با معجزه برابری کنند را بررسی کرده و ضمن تعریف و شناساندن سحر، به حرمت انجام آن از دیدگاه مسلمانان تأکید کرده است. ذیل این بحث روایتی را که در صحیح بخاری بیان می کند لبید بن اعصم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را سحر کرده بود، به چالش می کشد، و از حیث اسناد، محتوا و ... آن را رد می کند.

فصل سوم درباره امکان وقوع پدیده های غیرطبیعی در جهان و ذکر شواهدی بر آن

نویسنده بیان می کند که ما معتقدیم نظام عالم از مبدع نخستین که همانا باریتعالی است فرمان می گیرد و اولاً بدان ایمان داریم و دوم پدیده هایی که به دست انبیا و اوصیا صورت گرفته، همه به اذن خدا بوده است، مضافاً اینکه انبیا و اوصیا در نشان دادن معجزات نیز ادعایی نداشته اند که از پیش خود چنان خرق عادت می کرده اند بلکه می گفتند همه از سوی خداست.

پس ما هم که ایمان داریم خداوند خالق و مقدر است می تواند بر تغییر جهان نیز حکم دهد طوفان نوح (علیه السلام)، آمدن شتر صالح از دل کوه، شکافتن رود نیل برای موسی (علیه السلام) و ازدها شدن عصایش از همین باب است.

ولیم جونز دانشمند انگلیسی می گوید: خدایی که عالم را خلق کرده است از حذف چیزی از آن و یا اضافه کردن چیزی بر آن عاجز نیست.

در ادامه دیدگاه علم جدید را در این باره بیان می کند.

بخش دوم درباره معجزه شق القمر است.

مقدمه را با ذکر آیات ابتدایی سوره قمر آغاز می‌کند و در اثبات آن می‌گوید که شایسته است ما نیز چون دیگر مسلمانان به قرآن و روایاتی که در این باره آمده است، اعتماد کنیم و به معجزه شق القمر ایمان داشته باشیم. سپس سخنانی در بیان جایگاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و عظمت قرآن آورده و اینکه شعر بوصیری را در وصف رسول خدا بتمامه نقل کرده است. آنگاه در جاودانه بودن معجزه و اینکه چنین معجزه جاودانه می‌تواند خود حجت و شاهی بر منکران باشد که راوی انشقاق قمر است. افزون بر آن مفسران و قرآن پژوهانی چون عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، ابن عمر، حذیفه، ابن عباس، جبیر بن مطعم، مجاهد و ابراهیم آن را روایت کرده‌اند. دیگر اینکه به حکم: «و ما أوتيم من العلم إلا قليلاً»، اگر ما نتوانستیم از طریق قرآن و روایت به اثبات آن برسیم بپذیریم که دانش مان اندک است که چه بسیار مسائل علمی که هنوز اندکی از آنها را می‌دانیم.

و در آخر اینکه علم ما را به ایمان دعوت می‌کند؛ و در این باره کتاب‌های چندی نوشته شده است از جمله: کتاب العلم يدعو إلى الإيمان، کتاب القرآن والعلم الحديث از عبد الرزاق نوفل (چاپ ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م).

در پایان شاهی از متون هندی بر وقوع انشقاق قمر در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را از دکتر محمد حمید الله در کتاب محمد رسول الله نقل می‌کند.

در ادامه ذیل مبحث اول، نفی کنندگان این معجزه را معرفی و استدلال آنان را در تمسک به عقل و رد انشقاق قمر، نقل و نقد می‌کند که از آن میان می‌توان به حسن بصری، مقاتل بن سلیمان بلخی و عطاء بن رباح مکی اشاره کرد.

همچنین برای اثبات انشقاق قمر به روایت امام حلیمی استناد می‌کند که وی خود به شکافته شدن و جدا شدن تکه‌های ماه از همدیگر اشاره کرده و گفته که آن را به چشم خود دیده است.

آنگاه ذیل بحث دوم، در چهار محور، ادله اثبات شق القمر را نزد مفسرین (سه دیدگاه)، محدثین (هفت روایت)، متکلمین و مورخین آورده است.

خاتمه

در این قسمت، ضمن بررسی و رد دیدگاه رومانوس حمصی که در رد انشقاق قمر در اینترنت با عنوان دراسة عقلانية موضوعية لخرافة انشقاق القمر، منتشر کرده، مطالبی درج کرده، و ضمن درج تصاویر نوشتارهای وی، دیدگاه علم را درباره انشقاق قمر مطرح کرده و بخش‌هایی از کتاب صلیبیه إلى الأبد عبدالفتاح عبدالمقصود را نقل کرده است.

بخش سوم درباره ردّ الشمس، که شامل سه فصل است؛

فصل نخست، ابتدا به این مسأله از حیث امکان نگاه کرده و آن را از سنخ شقّ القمر برشمرده است؛ یعنی همچنان که تواتر شقّ القمر نیاز نیست، به تواتر ردّ الشمس نیز نیاز نیست؛ چراکه برای عده‌ای ویژه‌ای بوده یا برای اهل دیاری رخ داده؛ از همین رو روایت آحاد آن هم پذیرفته است همچنان که ابن مسعود و دیگران نقل کرده‌اند. نویسنده در ادامه از جهات مختلف مسأله را بررسی کرده و درباره خورشید و دیدگاه دانشمندان هیئت و نجوم را آورده و به روایت‌هایی که وقوع آن را در امت‌های پیشین (از جمله وقوع آن برای یوشع بن نون) نقل کرده‌اند استناد جسته و در پایان دیدگاه شیخ الأزهر را در این باره آورده است.

فصل دوم وقوع رد الشمس یا توقف شمس را در امت‌های پیشین بررسی کرده و روایت‌های مربوطه (شش روایت) را آورده است.

فصل سوم انبیا یا اوصیایی که رد الشمس برایشان رخ داده، معرفی کرده است که حضرات سلیمان (با استناد به آیه ۳۳ سوره ص)، یوشع بن نون (روایت کتاب یوشع، باب دهم، آیات ۱۲-۱۳) و امیر مؤمنان (علیهم السلام) از آن جمله‌اند. ذیل بحث از هر کدام، آیات و روایات مربوط به هر کدام را نقل و بررسی کرده است.

فصل چهارم وقوع دوباره ردّ الشمس برای امیر مؤمنان (علیه السلام).

در این قسمت ابتدا به وقوع نخست ردّ الشمس در صهباء از اراضی خیبر اشاره شده و روایت ابن کثیر شامی را در البداية والنهاية به نقل از حاکم حسکانی با عنوان مسألة في تصحيح ردّ الشمس و ترغيم النواصب الشمس، آورده است. در ادامه ذیل مسائل چهارگانه ابتدا صحابه‌ای را که ردّ الشمس را روایت کرده و یا شاهد بوده‌اند شناسانده و سپس ذیل مسأله چهارم نفی کنندگان حدیث را یاد کرده و در پاسخ آنان ضمن دسته‌بندی روایات ردّ

الشمس، آنها را از حیث سند و محتوا بررسی کرده است. در مسأله ششم دوازده تن از مؤلفینی را که در اثبات حدیث ردّ الشمس کتاب نگاشته‌اند، معرفی کرده است؛ حافظ ابوبکر محمد بن عبدالله وّاق صاحب کتاب طرق من روی ردّ الشمس، حافظ ابو عبدالله حسین بن علی معروف به جُعل بصری بغداد کاغذی معتزلی صاحب کتاب جواز ردّ الشمس، حاکم ابو القاسم حسکانی حنفی صاحب رساله مسأله فی تصحیح ردّ الشمس از آن جمله‌اند. در مسأله هفتم مصادر حدیث ردّ الشمس را در تراث سنی آورده و ۵۴ تن را شناسانده که در آثار خود این حدیث را نقل کرده‌اند.

مسأله هشتم ردّ الشمس در شعر شاعران است. شعر شعری که این دو معجزه را در ابیات خود نقل کرده و بر وقوع آن اعتقاد داشته‌اند.

ادامه مطلب درباره وقوع دوباره ردّ الشمس برای امیرمؤمنان (علیه السلام) در بابل بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله) است که ذیل پنج مسأله این بحث را سامان داده است؛ ابتدا به بخاری تاخته که روایت را ناقص نقل کرده و تنها بخشی از آن را که حضرت در زمین بابل نماز نگزارده، آورده و بقیه حدیث را رها کرده است.

سپس تنی از چند از علما را که این حدیث را روایت کرده‌اند برشمرده: از جمله نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ ق)، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق). و در ادامه ذکر آن را در شعر شاعران آورده و سپس با طرح شبهه منکرین شق القمر و ردّ الشمس که اگر وقوع رخ داده بود باید همه مردم شرق و غرب آن را دیده بودند، به این شبهه پاسخ گفته است.

در مسأله چهارم مسجد الشمس را در بابل شناسانده و با اشاره به کتاب تاریخ حله نوشته شیخ یوسف کرکوش حلی سه نکته تاریخی درباره مسجد مشهد ردّ الشمس را ذکر کرده است.

پایان بخش این قسمت سخنی با نواصبی است که: «یریدون لیطفئوا نور الله»؛ که روایات عجیبی برای ابوبکر و دیگران نقل می‌کنند بی آنکه ذره‌ای در آن شک کنند اما در مقابل، واقعیات و بدیهیات را منکر می‌شوند.

خاتمه، نقل خاطره‌ای از ابو المعز سید محمد قزوینی (م ۱۳۳۵ ق) است که در کتاب طروس الانشاء و سطور الإملاء ثبت کرده از سفرش به بغداد و دیدار با نقیب سید سلمان افندی.

افندی اعتقادی به ردّ الشمس نداشته و حتی بیتی از صاحب بن عباد را به اکراه می‌خوانده است، اما قزوینی هم با استدلال عقلی و سپس با نشان دادن روایات ردّ الشمس در متون اهل سنت، وی را متقاعد می‌سازد.

گفتگویی ادبی و خواندنی است که بهجت می‌آفریند و سرور می‌افزاید.